



# شکراله پاکنژاد ویژه نامه



شرح حال ( « باختر امروز » )

اسامی افراد « گروه فلسطین » ( « باختر امروز » )

مدافعات ( « ایران لیبرتی » )

فرد هالیدی : درباره پاکنژاد و مصاحبه ای با او ( « کانون هنرمندان ایرانی در تبعید » )

پاکنژاد: ازدها آخرین دژهای خود را از دست میدهد ( « آزادی » )

پاکنژاد: دفاع از مردم در برابر دیکتاتور ( « آزادی » )

هدایت متین دفتری : شکری و « جبهه تاریخی » ( « شورا » )

مسعود رجوی : به یاد پاکنژاد ( « شورا » )

مهدی سامح : شکری ( « ایران لیبرتی » )

# باختر امروز

« جريدة باختر امروز »  
نشرة  
منظمات الجبهة الوطنية الايرانية  
في الشرق الاوسط  
العدد اربع والتلاتون  
السنة الثالثة  
آذار ١٩٧٣  
المرحلة الرابعة

مؤسس : شادروان دکتر سيد حسين فاطمی  
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور  
« بخش خاورمیانه »

شماره ۸ ، سال اول ، دوره چهارم ، بهمن ۱۳۴۹

BAKHTAR EMROOZ

Vol. IV, No 8

Jan. 21 — Feb. 21, 1971.

## گرمر و آزادگان دریند روسپی نامردمان پرکار

بیش از یکسال پیش رژیم شاه یازده نفر از روشنفکران انقلابی ایران را که برای پیوستن به انقلاب فلسطین قصد داشتند از ایران خارج گردند در مرز ایران و عراق دستگیر کرد و در رابطه با اینها بسیاری در را که از جمله ۱۸ نفر از این آزادیخواهان در یک دادگاه نظامی در بسته با اصطلاح محاکمه و به حبسهای گوناگون محکوم گشتند

طی این محاکمات که در دو مرحله انجام گردید چند متزلزل سست عنصر نتوانستند دشواریهای مبارزه را تحمل کنند و پشت به خلق کردند . اینان در عین اینکه تسلیم شدنشان کوچکترین تاثیری در جریان مبارزه مردم ما نمیتواند داشته باشد و ذره‌ای در مسیر مبارزات توده‌ها به حساب نیاید ، همچون هر فرد دیگری از صف مردم رانده میشوند و در کنار اینان است که قهرمانی دلاوران تسلیم نشناس چون خورشید رخشنده‌ای چشم خفاشان ظلمت پرست را کور میکند و حماسه نیرومندی ایمانشان شکوه‌مندی و برحق راهشان را نشان میدهد .

این فرزندان دلیر خلق هم اکنون در چنگال رژیم خون آشام شاه اسیرند ، و این وظیفه همه نیروی خلقی و سازمانهای دموکراتیک است که از زندانیان سیاسی مردم خود تا حد امکان دفاع کرده ، آنان را میتوانند در مبارزات خود سرمشقی باشند به دیگران بشناسانند . شناساندن این دلاوران و دفاع از آنها آنان جدا از مبارزه برای رهائی خلق و آزادی ایران نیست . اینها کاملاً به هم آمیخته اند ، چرا که این فرزندان خلق اند و در دامان خلق پرورش یافته اند . از منافع زحمتکشسان حمایت کرده‌اند و جبهه توده‌ها انتخاب نموده اند ، و بخاطر پیوند عمیقشان بسازحمتکشسان و درگیری با دشمنان آنان بوده است که زندان اقتاده اند .

ما از این پس در هر شماره . . . باختر امروز . . . یک یا دو نفر از این پیشگامان راه آزادی فردا را معرفی میکنیم .

# شکرالله پاک نژاد



## سیمرغ قله های کبودم که آفتاب هر بامداد بوسه نشاند به بال من

شکرالله پاک نژاد ۲۹ سال پیش در خانواده‌ای فقیر در دزفول متولد شد. از همان دورانی که در دبیرستان تحصیل میکرد نمیتوانست در برابر زورگویی و بی عدالتی ازام و بی تفاوت بماند. عشق او به توده‌های زحمتکش و علاقه‌اش به زندگی آنها او را وادار میکرد که همیشه در موضع آنها قرار بگیرد. او بیشتر وقت خود را بین آنها میگذراند و از آنها یاد میگرفت و به آنها یاد میداد. شهر دزفول که بوسیله دو سه خانواده فئودال استثمار میشد با مردم فقیر و زحمتکشش برای پاک نژاد دانشکده‌خوبی بود. او در این دانشکده واقعی درس زندگی را آموخت، و با غم و درد مردم عمیقاً آشنا گشت و زندگی‌اش برای همیشه با آنها پیوند خورد. در سال ۱۳۳۹ وارد دانشکده حقوق شد. در این سال جنبش طبقات زحمتکش و در پیشاپیش آنان قشر دانشجویی مرحله اوج گیری رسیده بود. پاک نژاد بمحض ورود به دانشگاه در موضع جنبش قرار گرفت و بعزت فعالیت‌های وسیع پیگیری که در امر مبارزه علیه دیکتاتوری شاه از خود نشان داد، بزودی توانست مسئولیتهای مهمی در سازمان دانشجویان وابسته به جبهه ملی بعهده بگیرد. از همان سال تا سال ۱۳۴۲ که او از دانشگاه اخراج کرده و بیسرزخانه گسیل داشتند یک لحظه دست از مبارزه نکشید، بارها بازداشت شد و بزندان افتاد، بارها مورد شکنجه وحشیانه مامورین قرار گرفت ولی هیچگاه نا امید نشد و از اعتقاد خود بر نکشت. او به نیروی لایزال خلق ایمان داشت و همین امر بود که او را در هر شرایطی مبارزه و میداشت. پاک نژاد در مبارزه به خاطر مردم از همه چیز خود میگذشت و هیچ چیز جز حقانیت آنها برایش مهم نبود. در تظاهرات اول بهمن ۱۳۴۰ که ماموران ساواک و کماندوهای چتر باز وحشیانه به دانشگاه هجوم بردند، بقصد کشت او را زدند بطوریکه

بعدها ناچار شدند خود بیکر تقریباً نیمه جاننش را به بیمارستان برسانند، ولی پاک نژاد عصر همان روز پس از کمی بهبودی نسبی از بیمارستان فرار کرد و از فردای آن روز باز مبارزه را از سر گرفت.

در سال ۱۳۴۲ او را به بهانه «اخلال» از دانشگاه اخراج کرده و به سر بازخانه فرستادند. (چندی است عوامل رژیم شاه دانشجویان مبارز را به بهانه «اخلالگری» به سر باز میفرستند. آنها بزعم خود میخواهند به این طریق شخصیت دانشجویان را خرد کرده در محیطی به اصطلاح نامتجانس آزارش دهند) لیکن پاک نژاد که از مردم بود و به راحتی با توده‌ها مختلور میشد در آنجا نیز سربازان را به خود جلب نمود و بسیاری از دوستان خوبش را از میان همان سربازان ساده انتخاب کرد. او در محیط خفتان آور سر بازخانه نیز تا آنجا که میتوانست از شرایط استفاده کند مبارزه میکرد و به همین جهت سر بازخانه هم برای او زندان و شکنجه داشت.

دو سال ناراحتی و مشقت و شنیدن هزاران توهین و ناسزا از فرماندهان سر بازخانه نه تنها تزلزل در روحیه او بوجود نیآورد بلکه او را آبدیده تر و آگاه تر و مصمم تر ساخت. بعد از سر بازخانه بعزت فروکشی مبارزه تصمیم گرفت تحصیل نیمه تمام خود را پایان رساند، و بالاخره در سال ۱۳۴۷ از دانشکده حقوق رشته علوم سیاسی فارغ التحصیل شد. او برای امرار معیشت خود مدتی دنبال کار گشت و بالاخره در زمستان ۴۷ در سازمان بیمه های اجتماعی بطور موقت مشغول کار شد. ولی پس از چند ماه بعزت روشن شدن سابقه سیاسی اش برای اولیای اداره عذر او را خواستند. بعد از مدتی بیکاری و دنبال کار گشتن در سازمان برنامه باز بطور روز مزد استخدام شد. کار او مطالعه در روستاهای ایران و تهیه پرسشنامه هایی برای این اداره بود. بدیهی است که او اعتقادی به صحت محتوی این پرسش نامه ها نداشت. به این جهت خود شخصا در زندگی روستائیان مطالعه میکرد و از آنان میآموخت. او راه جوشیدن با توده ها را خوب میدانست، و بهمین جهت آنها زود به او اعتماد میکردند. در هر روستائی چندین دوست خوب در بین همان روستائیان داشت. و همین بود که او را برای رژیم خطرناک میکرد.

در زمستان سال ۱۳۴۸ او و گروهی از همزمانش تصمیم گرفتند برای کمک به خلق قهرمان فلسطین و بیشتر بخاطر کمک گرفتن و کسب دستاوردهائی از تجریبات انقلاب فلسطین مستقیماً در مبارزه مردم آن سامان علیه امپریالیسم و زائده آن صهیونیسم شرکت کنند.

آنان برای رسیدن به فلسطین میبایست از عراق میگذشتند و در همین راه بود که در مرز ایران و عراق اکثرآ دستگیر شدند. بعد از دستگیری و اعزام به تهران پاک نژاد و یارانش مورد وحشیانه ترین و غیر انسانی ترین شکنجه‌های قرون وسطائی قرار گرفتند. از جمله بقیه در صفحه ۳-

## شکر الله یاک نژاد . . .

دهها نوع شکنجه‌ایکه به یاک نژاد دادند کشیدن ده ناخن انگشتان پاهایش بود . او همه شکنجه‌ها را قهرمانانه تحمل کرد و مثل پارسا نژاد ، نیکخواه ، منصور و صبوری تسلیم نشد ، چرا که مردم را با خود میدید ، چرا که به راه مقدس خود و به پیروزی حتمی توده‌ها ایمان داشت . خود را از خلق میدید و خلق را با خود . در دادگاه فرمایشی رژیم شاه با جسارت تمام از ایدئولوژی انسانی خود دفاع کرد . لایحه دفاعیه خود را طوری تنظیم کرده بود که بطور ضمنی دفاع از دوستانش را نیز در بر میگرفت . رای دادگاه از ابتدا برای او روشن بود ولی او دفاع از خود را یعنی دفاع از عقیده خود را - وظیفه انسانی خویش میدانست . در آخر همانسان که انتظار میرفت این « دادگاه » فرمایشی او را به اشد مجازات ممکن یعنی حبس دائم یا کار « محکوم » کرد او با چهره گشاده و از صمیم دل یک عمر آزادیش را در راه توده‌ها بخشید ، و برای چندمین بار باز ثابت کرد که در راه خلق از همه چیز خود میگذرد . وجود چنین مبارزی قهرمان در صفوف مبارزین ایرانی مایه افتخار آنهاست اگرچه اکنون او در زندان است اما دوستان و همزمان او مبارزه را ادامه خواهند داد ، مردم بیکار خواهند کرد و پیروز خواهند شد . و این ، همانست که او میخواست و میخواهد .

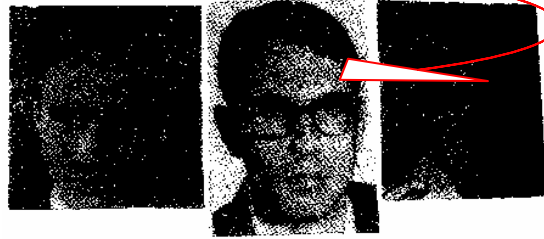
بخاطر ادامه مبارزه ، بخاطر کوشش برای آزادی یاک نژاد و سایر مبارزین وطنپرست ، بخاطر مبارزه با امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده شاه ضحوف خود را باز هم فشرده‌تر سازد .

« جريدة باختر امروز »  
نشرة  
منظمات الجبهة الوطنية الإيرانية  
في الشرق الاوسط  
العدد اربع والثلاثون  
السنة الثالثة  
آذار ۱۹۷۳  
المرحلة الرابعة

# باختر امروز

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی  
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور  
« بخش خاورمیانه »

شماره ۵ ، سال اول ، دوره چهارم ، آذر ۱۳۴۹



شکراته پاک نژاد سلطان زاده ناصر کاخساز

● تعداد مبارزینی که با اتهام تمایل به پیوستن به جنبش فلسطین بدست درخیمان حکومت شاد می افتند در حال تزاید است \* ما فریب ۵ ماه پیش طی اعلامیه ای اسامی ۳۶ نفر از این گروه را منتشر ساختیم و سپس در شماره های بعد اسامی بیشتری که می رسید درج میشد \* تعداد این افراد تا آنجا که مطلع شده ایم به ۵۵ نفر رسیده است \* عده ای از این آزادیخواهان در دادگاه های فرمایشی شاد اخیرا محکوم شده اند برای عده دیگری تقاضای اعدام و یا حبس های طولانی شده است و محاکمه آنها در جریان است و تکلیف عده دیگر هنوز روشن نیست \* ما در زیر اسامی دستگیر شدگان را درج میکنیم و به شما و عمال او اطلاع میدیم که نخواهیم گذاشت نیت سوری را که در مورد این وطن پرستان دارند عملی کنند \*

گروهی که محاکمه شان در جریان است و دادستان برای آنها تقاضای اعدام یا زندان کرده :

- ۱- شکراته پاک نژاد ( لیسانس حقوق ) اعدام
- ۲- مسعود بطحانی ( کارگر ) اعدام
- ۳- ناصر کاخساز ( قاضی ) حبس ابد
- ۴- احمد صبوری ( دانشجوی علوم ) اعدام
- ۵- عبدالله کابلی ( دانشجوی کشاورزی ) حبس ابد
- ۶- ناصر رحیمخانی ( دانشجوی حقوق ) اعدام
- ۷- محمد رضا شالگونی ( حقوق ) ده سال
- ۸- هدایت اله سلطان زاده ( فنی ) ده سال
- ۹- ابراهیم انزایی ( حقوق ) ده سال
- ۱۰- صلابت رنجبر ( دانش آموز ) ده سال
- ۱۱- امیر محمد معزز ( دانش آموز ) ده سال
- ۱۲- عبدالرضا نواب ( پلی تکنیک ) ده سال
- ۱۳- هاشم سگوند ( ) ده سال
- ۱۴- فرشید جمالی ( اقتصاد و پلی تکنیک ) ده سال
- ۱۵- ناصر جعفری ( دانش آموز ) ده سال
- ۱۶- فرهاد اشرفی ( لیسانس حقوق ) ده سال

کسانی که در دادگاه های نظامی تا کنون محکوم شده اند :

- ۱۷- داود ابراهیمی ( کتابفروش ) ۵ سال
- ۱۸- رضا معتمدی ( حقوق ) ۳ سال
- ۱۹- محسن طیبی شبستری ( حقوق ) ۳ سال
- ۲۰- منوچهر برهن ( اقتصاد ) ۳ سال
- ۲۱- ایرج عتیقی ( بخشدار ) ۳ سال
- ۲۲- فرهمند رکنی ( ادبیات ) ۲ سال
- ۲۳- حسین سجادی ( پزشکی ) ۲ سال
- ۲۴- غلامرضا زمانیان ( حقوق ) ۲ سال
- ۲۵- نعمت اله فرهبند ( سپاهی ) ۲ سال
- ۲۶- اکبر عجایی ( پلی تکنیک ) ۱ سال
- ۲۷- پرویز ابراهیمی ( پزشکی ) ۱ سال
- ۲۸- روزبه گلی ( کارگر ) ۲ سال
- ۲۹- عبدالله خاکی مقدم ( دبیر ) ۸ ماه
- ۳۰- حسن لطف آبادی ( لیسانس ) ۶ ماه
- ۳۱- مهدی سامح ( پلی تکنیک ) ۶ ماه
- ۳۲- منوچهر زادمند ( حقوق ) ۶ ماه
- ۳۳- ابراهیم حاجتی ( مهندس ) ۲ ماه
- ۳۴- عزت اله نظیفیان ( بازرگانی ) ۲ ماه
- ۳۵- قانع ( پلی تکنیک ) تیرته کسانی که هنوز محاکمه نشده اند :
- ۳۶- ایرج محمدی ( پلی تکنیک )
- ۳۷- مصطفی کنیائی ( راهنمای سپاهی )
- ۳۸- فریدون خاوند ( حقوق )
- ۳۹- ابراهیم نوشیروان پور ( پلی تکنیک )
- ۴۰- علی رودگرمی ( دبیر )
- ۴۱- امیر فطانت ( دانشگاه شیراز )
- ۴۲- سیامک راستی ( سپاهی )
- ۴۳- فرج اله آقا زاده ( کارگر )
- ۴۴- رحیم عراقی ( پلی تکنیک )
- ۴۵- مسعود مضمی ( پلی تکنیک )
- ۴۶- بهروز آصفی ( علوم )

- ۴۷- محمد علی الهی پناه ( پلی تکنیک )
- ۴۸- کتابچی ( پلی تکنیک )
- ۴۹- عباس حسینیان ( پلی تکنیک )
- ۵۰- حسن مکارمی ( پلی تکنیک )
- ۵۱- عظیم گلچین ( پلی تکنیک )
- ۵۲- عبدالله سعیدی ( پلی تکنیک )
- ۵۳- بهرام شالگونی ( حقوق )
- ۵۴- داود صالح دوست ( فنی )
- ۵۵- عبدالعلی فرزاد ( افسر )